

مهرداد اسکویی مستندساز در گفت‌وگو با «ایران»:

فیلم‌های مستند و مستقل سربازان فرهنگی ایران هستند

پریسا ساسانی
خبرنگار

مهرداد اسکویی مستندساز و ایده‌پرداز است که بیش از ۲۰ دهه به شکل حرفه‌ای در زمینه مستندسازی و عکاسی مستند فعالیت می‌کند. او جوایز متعددی از جشنواره‌های مختلف برای سیمای ایران به ارمغان آورده و شاگردان بسیاری را در این عرصه پرورش داده است. اگر نگاهی عمیق به مستندهایی که مهرداد اسکویی ساخته، داشته باشیم متوجه خواهیم شد که وجوه انسانی در فیلم‌هایی که او کارگردانی می‌کند ملذذنی است. درست به دلیل همین نگاه است که او به عنوان یک مستندساز ایرانی توانسته در عرصه بین‌الملل بدرخشد و علاوه بر فیلمسازی و کسب جوایز متعدد به عنوان داور در جشنواره‌های مختلف نیز حضور داشته باشد. این مستندساز سیمای ایران به تازگی در هفدهمین جشنواره مستند «زاگرب داکس» در کشور کرواسی حضور داشت و فیلم‌های متعدد از نقاط مختلف جهان را مورد داوری قرار داد. اسکویی به تازه‌ترین گفت‌وگوی خود با ایران^۱ از تجربه حضورش در یکی از معتبرترین جشنواره‌های سینمایی در حوزه مستند سخن گفت.

■ **آقای اسکویی برای شروع از چگونگی حضور خود در یکی از معتبرترین جشنواره‌های سینمای مستند بگویید.**

قصه حضور من در جشنواره «زاگرب داکس» به حضور فیلم «سایه‌های بی‌خورشید» در جشنواره فیلم «ایدفا» در آمستردام برمی‌گردد. در آن جشنواره فیلم «سایه‌های بی‌خورشید» برای اولین بار در تاریخ جشنواره «ایدفا» جایزه بهترین کارگردانی فیلم بلند مستند را کسب کرد. پس از کسب این جایزه، نناند پوهوفسکی رئیس جشنواره زاگرب داکس که یکی از معتبرترین جشنواره‌های بین‌المللی است، درباره فیلم «سایه‌های بی‌خورشید» صحبت کرد و گفت که این فیلم را دوست داشته است. ضمن اینکه مستند «روایاهای دم صبح» در این جشنواره نیز شرکت کرده بود و جایزه هم گرفت. بنابراین سابقه حضور در این جشنواره را نیز داشتم و در نهایت برای داوری در هفدهمین جشنواره مستند «زاگرب داکس» از سوی رئیس جشنواره دعوت شد. اما به دلیل شرایط ویروس کرونا نمی‌توان به صورت فیزیکی در جشنواره حضور پیدا کرد.

■ **در طول مدت شیوع ویروس کرونا در هیچ یک از رویدادهای سینمایی حضور فیزیکی نداشتید؟**

تقریباً خیر. فقط ۲۲ جشنواره بودند که اصرار به حضور داشتند و در آن زمان ایران در لیست هشدار نبود و توانستم حضور فیزیکی داشته باشم. همان زمان هم تمام نکات ایمنی و بهداشتی رعایت می‌شد و با فاصله از یکدیگر می‌نشستم ولی در همان زمان هم ترس از شیوع ویروس وجود داشت و از آن پس تصمیم گرفتم به شکل فیزیکی رویدادهای سینمایی در عرصه بین‌الملل حضور نداشته باشم.

■ **با توجه به تجربه خود از حضور در جشنواره‌ها، قبل از شیوع ویروس کرونا و حضور مجازی فعلی، فکر می‌کنید آینده سینمای ایران در عرصه بین‌الملل چه سرنوشتی خواهد داشت.**

به اعتقاد من حضور فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های

شیوع کرونا از سهمگین‌ترین اتفاقات سال‌های اخیر است که حتی از آن به عنوان بزرگ‌ترین بحران بعد از جنگ جهانی دوم یاد می‌شود. مرگ و میر، از دست دادن عزیزان، فرقیته، انزوا و نسبی اجتماعی، ناپسامانی‌های معیشتی، دوران سخت اقتصادی، سالمندی و...

همه چالش‌هایی است که زندگی بسیاری از مردم را تحت تأثیر قرار داده است. مستندسازان که عموماً در زمره مشاغل سخت به حساب می‌آیند هم از این قاعده مستثنی نبود. بسیاری از پروژه‌های مستندسازی طی دوسال گذشته متوقف شد و طبعاً زیست مستندسازان با چالش و خطر جدی مواجه شد. تعداد زیادی از مستندسازان بنا بر احساس مسئولیت اجتماعی به ثبت و ضبط چالش‌ها روی آوردند و برخی دوربین‌ها را سویم خود چرخاندند و فیلم‌های خودبناگر ساختند. اما همین‌جای صورت گرفت تا تصاویر این دوران ثبت شود و حافظه تاریخی بسازد. اگر چه به اعتقاد من انسان امروز در دیگر کرونا چنان گیج و ناتوان است که نمی‌توان از او انتظار داشت که آثار قابل قبول و تأثیرگذار تولید کند. از این رو با وجود اینکه بسیاری از این آثار از رشدنما است اما هنوز شاهد کاری مؤثر و ماندگار در این حوزه نبوده‌ایم. بیشتر آثار به رپرتاژهای خبری جنگ‌های جهانی یا شرایط بحرانی شباهت دارد. عجیب هم نیست چرا که خلق اثر ماندگار به زمان نیاز دارد، باید از این بحران فاصله بگیریم تا بتوانیم بر آن تأمل کنیم و بهتر جوهره مسائل را در بیابیم تا برای مثال اثری خلق نکنده در حد «طاعون» کلمه در ادبیات خلق کنیم. اثری که آینده‌ای تمام نماز اوضاع شهروندان یک سرزمین، از زیست جهان آنها و چالش‌هایشان در زمان کرونا باشد. فارغ از جریان تولید، درخصوص اکران آثار در این دوران



آرکده بیزار گیتی مستندساز

با چنگ و دندان شعله امید را روشن نگه داشتیم

و حتی آثاری که کمی پیش از کرونا ساخته شد با مشکلات عدیده‌ای مواجه بودیم. سینما و تئاتر و اساساً هنر ضربه مهلکی بر تن زخمی‌اش وارد شد. با شیوع کرونا و باز و بسته شدن سینماها تکلیف فیلم‌های تولید شده چه می‌شد؟ من از تجربه شخصی خود می‌گویم که با یک تیم کاملاً مستقل سه سال شبانه روز وقت گذاشتیم تا ایده‌ای را که داشتیم، بپرورانم و با همراهی گروه بر تلاش و همراهانم مستند بلند «دختران نجار، دونوازی برای یک رؤیا» را که آخرین مستندم است به سرانجام برسانم. بعد از صرف وقت و انرژی چند ساله اما فیلم در کم‌د با باقی ماند. راستش با وجود شوقی که برای به نمایش گذاشتن مستند بلندمان داشتم؛ چرا که عاشقانه و با سختگیری بسیاری دوسال و نیم از عمرم را صرفش کرده بودم اما از آنجایی که حفظ جان انسان‌ها برابیم مهم‌تر بود، طی این مدت به هیچ نمایشی تن ندادیم. ما حتی فرصت نداشتیم تا یک بار دور هم جمع شویم و با گروه سازنده فیلم در کنار هم فیلم را ببینیم. راستش تمام این مدت به خاطر احساس مسئولیت با خودم فکر می‌کردم برای حفظ جان انسان‌ها حتی به نمایشی محدود هم تن ندهم تا جان حتی یک انسان را در خطر نیندازم. اگر چه از پیش از این هم چرخه نمایش آثار مستند با آسیب‌های جدی مواجه بوده و جز نمایش‌های محدود، مانظمم و نمایش‌های آگاه به گاه و بیگاهش که همواره بحث جدی مستندسازان بود نمایش سازماندهی شده و کارآمدی نداشت. اما با ظهور کرونا درواقع بر بساطی که بساطی هم نبود این چالش صدچندان شد. شیوع کرونا و ضرورت قرنطینه البته اگر دغدغه‌های معیشتی مردم و غم آن اجازه می‌داد شاید فرصت مناسبی بود تا خانواده‌ها بتوانند زیست روزمرشان را بیشتر از همیشه با هنر و ادبیات و سینما در هم آمیزند؛ فیلم ببینند، کتاب بخوانند، اما چه انتظاری می‌شد داشت در میانه این همه بحران

سینمای مستند، رسانه‌ای اثرگذار اما مظلوم

اوایل دهه هفتاد بود که داشتم برنامه تلویزیونی فیلم کوتاه به نام «سینمای دیگر» را برای شبکه سیمایستم که به فکر رسید میان برنامه‌های کوتاهی، در کنار نمایش فیلم‌های کوتاه روز جهان تولید کنم و به سینما، فیلم کوتاه و دیدگاه‌های متنوع و گاه متضاد طیف‌های مختلف جامعه بپردازم. برنامه جالبی شد. آثار، شاعر، نویسنده، سینماگر، منتقد، مدیر، نقاش و... همه در آن برنامه صحبت کردند. مرور آن صحبت‌ها همان موقع برای من هم جذاب و دلنشین و هم نگران‌کننده بود. بعضی از دوستان کلا سینما را متعلق به شیطان می‌دانستند و امید به عاقبت آن نداشتند. عده‌ای دیگر سینما را امری رحمانی می‌شمردند و معتقد بودند از الطاف خدای کریم در آخر الزمان یکی همین سینما است. بعضی‌ها هم سینما را به چاقو تشبیه می‌کردند که دست آدم ناهالی بیفتد ممکن است جامعه را دچار گرفتاری بسازد. عده‌ای هم در این وسط و بی‌چون و چار، عاشق سینه چاک سینما بودند و...

آن گفت‌وگوها برای من جذاب و دلنشین بود؛ چرا که احساس می‌کردم وقتی حوزه فرهنگ و هنر سینما، آتمتر با نگاه‌های متنوع و متکثر محشور و مانوس هست می‌توان به آینده امیدوار شد. تجربه بشری در طول تاریخ حاکی از این واقعیت است که هر چقدر فرهنگ و هنر... و به دریای موج جامعه، بی‌واسطه وصل باشد جامعه زنده‌تر و با قوام‌تر خواهد شد. اما نگران‌کننده بودن آن گفت‌وگوها، چیزی‌شدن یک نگاه و سلیقه به فرهنگ و هنر و سینما بود. معجزه اصلی انقلاب اسلامی سال ۵۷ پیش از هر چیزی، همراه شدن همه افراد با هر

باید شاهد ورود فیلمسازان به مدیوم شبکه خانگی باشیم و خب همین اتفاق هم به نوعی رخ داده است و اکنون شاهد جابه‌جایی صنعت سینما به پلتفرم‌ها هستیم. البته من نقدی بر پلتفرم‌ها ندارم چون به هر حال سینماگران باید زندگی کنند و باید حرفه خود را زنده نگه دارد. ولی صنعت سینما در دراز مدت دچار خسران و زیان خواهد شد.

■ **امروز رفت‌ار این مشکل چیست؟**

من درباره خودم باید بگویم که به عنوان یک فیلمساز شیوه‌های تولید را تغییر دادم یعنی سعی می‌کنم سرمایه فیلم‌ها را خودم پیدا کنم و یا با هزینه کمتر فیلم بسازم. ضمن اینکه دستمزد عوامل سینما مانند به گذشته بالا رفته است و تهیه‌کننده نیز ورودی آنچنانی ندارد تا بتواند پرداختی داشته باشد و از طرفی همه خرج‌کرها چند برابر شده است. این در شرایطی است که به قیمت نفس کشیدن در حرفه‌ای که دوستش داریم، باید فیلم‌ها را در قالب پلتفرم‌ها به نمایش بگذاریم و این یعنی شکست تهیه‌کننده سینما و ورود به شبکه نمایش خانگی. شاید باور نکنید در چند وقت اخیر به من به عنوان یک مستندساز پیشنهاد سریال‌سازی داده شده است و این همان آسیبی است که از آن صحبت می‌کنم.

■ **اتاق فکر مدیران سینمایی چه کمکی می‌تواند بکند؟** کمبود بودجه یکی از دلایلی است که مدیران سینمایی بیان می‌کنند و در نهایت اگر حمایتی باشد از سینمای بدنه می‌شود. منتها من حرقم این است که باید فکری برای نجات آن بخش از سینما کرد که تولید فکر، اندیشه و فرهنگ می‌کنند. به همین دلیل سینمای مستند و مستقل را باید حمایت کرد. زیرا آنها افتخار می‌کنند که سربازهای فرهنگی ایران هستند منتها در این روزگار به سختی نفس می‌کشند.

■ **حضور فیزیکی در جشنواره‌های بین‌المللی با در نظر گرفتن شرایط کرونا تا چه اندازه می‌تواند به سینمای مستند و مستقل کمک کند؟**



بسیار زیاد. زیرا با حضور فیزیکی می‌توان در جهت دیده شدن فیلم و پیشش جهانی آن کار کرد. من خودم در جشنواره‌هایی که در یک سال اخیر در ایام شیوع ویروس کرونا برگزار شد شرکت نکردم و متأسفانه هنوز فیلمسازان واکسینه نشده‌اند و برای رفتن به جشنواره‌های خارجی باید واکسن‌هایی را تهیه کرد که مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی قرار گرفته، در متفاوت از تولیدات بیگ پروداکشن سینمایی است. واقع باید پاسپورت واکسن داشته باشیم. به همین دلیل برای حضور در یک جشنواره و صیانت از آثارمان با صرف هزینه هنگفت باید در یک کشور دیگر واکسن مورد تأیید بزییم تا بتوانیم اجازه سفر داشته باشیم. این در حالی است که هر یک از سینماگران به عنوان سفیران فرهنگی ایران در جشنواره‌های بین‌المللی حضور پیدا می‌کنند.

■ **با توجه به مشکلاتی از این دست، روند حضور سینمای ایران به خصوص سینمای مستند و مستقل را در عرصه‌های بین‌المللی چطور ارزیابی می‌کنید؟**

من خیلی شنیدم که سینمای ایران دچار افت کیفی شده است و یا اینکه در برخی از جشنواره‌های معتبر سینمایی، فیلم‌های ایرانی از از دستور کار خارج کردند و این موضوع در دراز مدت آسیب‌های جدی به سینمای ایران وارد می‌کند. واقعیت این است که اقتصاد آسیب دیده ترمیم می‌شود ولی فرهنگ اگر دچار نقصان، کمبود و آسیب شود، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به همراه دارد و سال‌های سال به عقب برخواهیم گشت. باور کنید به من طرح‌ها و فیلم‌های سینمایی بسیاری پیشنهاد می‌شود که آنها را تولید کنیم. ولی من فقط تهیه‌کننده فیلم‌های خودم هستم و شاید تعداد اندکی فیلم هم تولید کرده باشم. در واقع این حجم از پیشنهادها به فردی که به شکل متمرکز کار تهیه‌کننده نمی‌کند خط‌نک است و من هر روز فکر می‌کنم که چه کاری انجام دهم که در این ناپسامانی غرق نشوم.

بی‌شک نخستین قربانی هنر است...! البته بی‌شک گسترش پلتفرم‌ها و vod ها و اکران آنلاین هم مواجهه تازه‌ای بود که به فراخور جهان مدین و نیز درگیری با ویروس کرونا مخاطب وسیع‌تری را در سرتاسر ایران به دیده شدن آثار مستند دعوت می‌کرد. اما همه ماجرا این نیست. ما فیلمسازان یک سری از فیلم‌هایمان طی این دوران اساساً برای پرده عریض سینما تولید شده بودند. تکلیف ما چه می‌شد؟ ساعت‌ها روی صداگذاری، موسیقی و تک تک عناصر فیلم کار جری شده بود و با نمایش در پلتفرم آنلاین، از ارزش‌های هنری و تأثیرگذاری آن کاسته می‌شد. گزینه‌های آنلاین با وجود همه حسن‌هایی که داشت برای ما چندان هم که باید امن نبود. همه می‌دانیم که خود تقنیلکس هم اگر اثری را تولید می‌کند یک ساعت بعد کسی در دورترین نقطه جهان می‌تواند آن را بی‌اجازه نکشیر کند...! پس نگرانی برخی از ما که بقع هم بود سبب شد فعلاً ناگزیر ترجیح فیلم‌مان را در کشوهایمان نگه داریم و منتظر روزهای بهتری بمانیم. نکته دیگر اینکه فراموش نکنیم در این ایام شرایط مستندسازان هم از عامه مردم جدا نبود. آن‌ها نیز با چالش‌های معیشتی، انزواهای نسبی، سرگردانی ناشی از شرایط دست و پنجه نرم کردند. ما تعدادی از همکاران مان را در مسیر ثبت کرونا از دست دادیم. در این میان تلخ‌تر اینکه همچون خیلی وقت‌های دیگر از حمایت‌های چندانی هم بهره‌مند نبودیم. گاهی دلسرد شدیم و گاهی ترجیح دادیم با چنگ و دندان شعله امید را که تنها سرمایه این روزهای مان است در وجودمان زنده نگه داریم. در نهایت با همه این‌ها روزها اولویت همه ما سلامت مردم سرزمین‌مان است و بیشتر به عنوان یک شهروند نگران همه جهان و نگران جامعه پیرامونم هستم و آرزو دارم همه ما بپروژه وطنمان از این بحران بروحتش کرونا آسوده شوند و رهایی یابند...!

حوزه مهجور و مظلوم بود، حوزه‌ای که با حمایت حادقلی و اعتماد، می‌تواند هم در داخل و هم در خارج، زندگی و امیدواری و افتخار با خود به ارمغان بیاورد. متأسفانه سینمای مستند معمولاً در نگاه مسئولان در حاشیه قرار دارد و همیشه مستندسازان برای به‌دست آوردن حداقل‌ها باید همانگونه که در ثبت واقعیت‌ها ریاضت می‌کشند برای سترنج معمولی خود نیز، سختی بکشند. بارها گفته‌ام تلویزیون می‌تواند با خرید رایت نمایش تلویزیونی فیلم‌های مستند، بسیاری از آثار مستندسازان خلأ این سرزمین را حمایت کند و با این حمایت، تعامل و ارتباط گسترده‌تری با سرمایه‌های این سرزمین داشته باشد اما نگاه بسیاری از ساختارهای ا، تولید توسط خود سازمان‌ها است. از الطاف الهی در دوره حاضر باید به امکانات متنوع و گسترده‌ای که تکنولوژی برای بشر به ارمغان آورده اشاره کنم امکاناتی که دیگر انحصار بسیاری از مراکز و سازمان‌ها را کم و یا ناچیز کرده است. این نعمت الهی، بی‌واسطه امکان تجربه‌های خلاقانه جوانان را فراهم کرده است، تجربه‌هایی که امکان بسیاری از آنان در ساختارهای معمولی و سنتی هرگز به‌دست نخواهد آمد.

باتوجه به مجموعه شرایط تولید فیلم مستند که همیشه شکننده و سخت بوده است دنیای اثرگذار کرونا هم مزید بر علت شده است. از یک طرف استعداد خدادادی این ملت که همیشه در جوش و خروش و سازندگی است و از طرف دیگر مشکلات و گرفتاری‌ها، مطمئناً هستم که مستندسازان با همه سختی‌های زندگی و کمبودها تلاش خود را همچون سربازان گمنام برای این سرزمین بکار خواهند برد، اما آرزو می‌کنم دیگران تا فرصت‌ها در دست نرفته است وظیفه اصلی خود را با اعتماد و بدون وامه انجام دهند.

■ یکشنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۰
■ سال بیست و هفتم
■ شماره ۷۶۸۰

مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در گفت‌وگو با «ایران»
از روزهای کرونا و مستند سخن گفت

تولید دچار ایستایی نشد

ترکس عاشوری
خبرنگار

باشیوع کرونا، نگرانی‌ها درباره ر وضعیت تولید و اکران سینمای داستانی بر صدر اخبار این حوزه قرار گرفت و به‌صورت مفصل به آن پرداخته شد. در تمام این ایام در حالی که دوربین مستندسازان رویه روی بحران ویروس کرونا ایستاده و مستندسازان مثل هر بحران و بلایای طبیعی پیشتر از ثبت و ضبط وقایعی بودند که در پتن جامعه و بیمارستان‌ها می‌گذرد، تأثیر کرونا بر تولید، نمایش و جشنواره‌های این حوزه کمتر مورد بحث قرار گرفت. در کپ و گفتی با محمد حمیدی مقدم مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، دوری کوتاه داشته‌ایم بر این تأثیر و سرنوشت جشنواره‌ها و محدودیت‌های احتمالی حضور مستندسازان ایرانی در مجامع بین‌المللی.

■ **پیش از پرداختن به موضوع تأثیر شیوع کرونا بر دیده شدن آثار مستند در مجامع بین‌المللی، از تأثیر این بحران بر تولید آثار مستند بگویید.**

قطعه‌ای دیده‌کردنا بپر همه ارکان تأثیر داشت و در ابتدای‌ترین شکل ارتباطات را دچار اختلال کرد. در حوزه تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی خیلی دچار وقفه نشدیم و بالعکس در سال ۱۹۹ افزایش تولید هم داشتیم. ساختار تولید در سینمای مستند متفاوت از تولیدات بیگ پروداکشن سینمایی است. اگر چه سال گذشته در حوزه‌های تولیدات کلان‌تر هم خیلی دچار وقفه نشدیم. با گسترش vod ها فرصتی برای بیکاری در حوزه مستند و چه انیمیشن و فیلم داستانی نماند. در عین حال که تولید دچار ایستایی نشد و اجباراً به حرکت خود ادامه داد اما عرصه و نمایش در همه‌جای دنیا دچار اختلال ووقفه شد.

■ **اکران در حوزه آثار مستند متفاوت از سینمای داستانی است و عموماً اکران جدی برای مستند وجود ندارد. با این حال این اختلال در نمایش و عرضه که به آن اشاره کردید لطمه محسوسی بر حوزه مستند ایجاد کرد؟**

در هیچ جای دنیا اکرانی برای مستند وجود ندارد. در وضعیت اکران آثار مستند تغییر جدی ایجاد نشد و البته با حالفادن پلتفرم‌های نمایشی، وضعیت بهتر شده است. اگر در همین پلتفرم‌ها در قیاس با ۵۰۰ تیک برای یک فیلم داستانی، آثار مستند دو تیک می‌خورند، الا آن عدد تبدیل به ۲۰ تا ۴۰ شده است. کرونا شرایطی را تحمیل کرد که مخاطبان vod ها به سمت محتوایهای جدید و غنی بروند و این جست‌وجو آنها را به این چشمه‌ها رساند. ما در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی مسیر ورود به درگاه‌های ثابت را پیگیری کردیم. اگر در ذهن مخاطب درچه‌هایی را حک کنیم و به مرور زمان ثبات پیدا کند، مخاطب به نحوی در آن مرور می‌افتد یا به عبارت بهتر مخاطب همیشه‌گی آن می‌شود. شبیه همان چیزی که در خانه‌های فرهنگ، اتاق‌های فیلم و سینما تک‌ها شاهد هستیم. اگر چه نباید از این واقعیت غافل شد که اساساً رسیدن به اکران سینمای داستانی و فانتزی و اکشن و ملودرام برای مستند یک تصور رؤیایی است. اینها دو جهان جداست. مهم‌ترین محل نمایش فیلم‌های مستند تلویزیون و شبکه‌های مختص فیلم مستند است. بشر این‌ا از مستندسازان هم که اعتقاد دارند آثارشان به لحاظ کیفیت بخش صدا و تصویر برای پرده عریض ساخته شده همان اکران محدود هنری و فرهنگی طراحی شده است. شبیه همان سرنوشتی که برای سینمای داستانی در اکران پیش آمد در زمان کرونایی بخش از اکران آثار مستند هم لطمه خورد. البته با این تفاوت که برای سینمای مستند کسی تصور و توقع بازگشت سرمایه ندارد. مستند عموماً توسط بخش دولتی تولید می‌شوند و هیچ‌وقت این انتظار وجود ندارد که در صورت بازگشت سرمایه می‌توان به جریان تولید بازگشت. از این نظر مستندها در شرایط معمول هم با افت و خیزهایی مواجه بودند. در عین حال شیوع کرونا باعث شد برای راه‌اندازی اکران آنلاین محدود، مصمم شویم. بزودی وایلی و درگاه‌های بخش vod خواهیم شد و امکان جذب مخاطب بیشتر برای آثار مستند فراهم خواهد شد.

■ **قرار است بستر تازه و اختصاصی ایجاد شود یا این آثار روی همان پلتفرم‌ها عرضه خواهد شد؟** با همان پلتفرم‌هایی که زیرساخت‌هایشان را به‌صورت وسیع گسترش داده‌اند همکاری خواهیم کرد. در آینده نزدیک به‌صورت مفصل در این باره اطلاع‌رسانی خواهد شد.

■ **برگردیم به موضوع اصلی یعنی تأثیر کرونا بر جشنواره‌های جهانی و دیده شدن آثار مستند. در این ایام برخی از جشنواره‌ها به‌صورت مجازی یا ترکیب مجازی و فیزیکی برگزار شد. برگزاری جشنواره‌ها به‌صورت مجازی چه فرصت‌هایی را سلب کرد؟** مجامع و جشنواره‌ها پاتوق هستند. نمی‌توان ادعا کرد که برگزاری جشنواره به‌صورت آنلاین با جشنواره فیزیکی برابری می‌کند. یکی از شاخصه‌ها مهم برگزاری جشنواره به‌صورت فیزیکی دیدار آدم‌ها و شکل گرفتن فضای گفت‌وگو است. استفاده‌هایی که برای اولین بار در فضای این چنینی قرار می‌گیرند، توسط خبرنگارها و تیم‌های رسانه‌ای رصد می‌شوند، از میان گفت‌وگوها ایده‌های جدید خلق می‌شود و در نتیجه در فرایند رشد فیلمسازان تأثیرات بسزایی دارد. این بستر در برگزاری جشنواره‌ها به شکل مجازی وجود ندارد. به هر حال حوزه آنلاین، جهان تازه‌ای است و افراد شناخته‌شده هنوز به

یادداشت

یادداشت

یادداشت

